

سؤالات کنکور عربی دوازدهم انسانی سری ۲

۱- عین الخطأ:

خارج از کشور - ۱۴۰۰

① أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ الْحِلْمُ عِنْدَ الْغَضَبِ وَ الصَّبْرُ عِنْدَ الطَّمَعِ: برترین کارها بردباری هنگام خشم است و صبر هنگام طمع!

② لَا تَجْمَعُ مِنَ الْمَالِ وَ أَنْتَ لَا تَدْرِي لِمَنْ تَجْمَعُ: از مال و ثروت جمع مکن در حالیکه تو نمی دانی برای چه کسی جمع می کنی!

③ إِذَا سَلِمْتَ مِنَ الْأَسَدِ الْمُفْتَرَسِ فَلَا تَطْمَعْ فِي صَيْدِهِ: هرگاه از شیر درنده در سلامت ماندی به شکار کردنش طمع مکن!

④ إِنْ الْمَجَاهِدِينَ بَاعُوا أَرْوَاحَهُمْ وَ اشْتَرَوْا الْجَنَّةَ: جهادکنندگان جانهای خود را فروختند تا به بهشت برسند!

۲- عَيْنُ الصَّحِيحِ فِي التَّرْجُمَةِ: «أَنْفَقُوا مِمَّا رَزَقْنَاكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ يَوْمٌ لَا يَبِيعُ فِيهِ وَلَا خُلَّةٌ»

خارج از کشور - ۱۴۰۰

① از آنچه به شما روزی دادیم انفاق کنید، قبل از اینکه روزی بیاید که نه فروشی (تجارتی) در آن است و نه دوستی ای!

② آنچه را روزی شما کردیم انفاق کنید، پیش از اینکه آن روزی فرا رسد که نه خرید و فروش در آن است و نه شفاعتی!

③ از چیزهایی که به شما روزی داده ایم به دیگران بدهید، پیش از اینکه آن روز بیاید که نه خریدی در آن است و نه شفاعتی!

④ چیزهایی را که روزی شما قرار دادیم به دیگران ببخشید، قبل از اینکه روزی فرا رسد که نه معامله ای در آن است و نه دوستی!

۳- عَيْنُ الصَّحِيحِ: «بعض الطَّيُّور عندما تشعر بالخطر حَوْلَهَا تَلْجَأُ إِلَى الْحِيلِ الَّتِي تَنْقُذُ حَيَاتَهَا مِنَ الْمَوْتِ»
خارج از کشور - ۱۴۰۰

۱) عده‌ای از پرندگان هنگام احساس خطر، به چاره‌ایمی‌اندیشند که زندگی‌شان را از مرگ نجات دهد.

۲) زمانی که تعدادی از پرندگان خطر را احساس کردند، به چاره‌هایی پناه آوردند تا زندگی‌شان از مرگ نجات یابد.

۳) هرگاه برخی پرندگان پیرامون خود احساس خطر کنند، چاره‌اندیشیمی‌کنند تا زندگی خود را از مرگ نجات دهند.

۴) برخی پرندگان هنگامی که در اطراف خود احساس خطر می‌کنند، به چاره‌اندیشی‌هایی که زندگی آن‌ها را از مرگ نجات می‌دهد، متوسل می‌شوند.

۴- «لَا يَحْزَنُنِي قَوْلُ الَّذِينَ يَتَكَلَّمُونَ عَنِّي جاهِلِينَ، وَ أَنَا أَعْلَمُ جَهْلَهُمْ»: سراسری - ۱۴۰۰

۱) قول کسانی که از جهل من سخن می‌گویند و من جهالتشان را میدانم، نباید مرا ناراحت کند!

۲) سخن آنان که در مورد من حرف می‌زنند، درحالی‌که جاهل‌اند و من به جهلشان آگاهم، ابداً ناراحت‌کننده نیست!

۳) هیچ‌گاه سخن کسانی که درباره‌ی جهل من حرف می‌زنند حال آنکه من جهالتشان را میدانم، ناراحت‌کننده نیست!

۴) نباید گفتار کسانی که در مورد من جاهلانه سخن می‌گویند مرا ناراحت کند، درحالی‌که من آگاه به جهلشان هستم!

۵- عَيْنُ الصَّحِيحِ فِي التَّرْجُمَةِ: «الاحتفاظ بالوحدة فضل لأمّتنا المفكّرة، ولكنّ الأعداء يشجعون عملاءهم أن يفرّقونا!»: سراسری - ۱۴۰۰

۱) حفظ وحدت، برتری برای امت متفکر ماست، که دشمنانمان عوامل خود را به پراکنده ساختن ما تشویق می‌کنند!

۲) حفظ وحدت، برای امت متفکر ما فضیلتی است، ولی دشمنان، مزدوران خود را تشویق می‌کنند که ما را پراکنده کنند!

۳) نگاه داشتن وحدت امت اندیشمندان، فضیلتی است که دشمنان ما مزدوران را تشویق می‌کنند که ما را پراکنده سازند!

۴) نگاه داشتن وحدت برای امت ما که اندیشمند است، فضلی به شمار می‌آید، ولی دشمنان عوامل خود را تشویق به پراکنده شدن ما می‌کنند!

۶- عین الخطأ:

سراسری - ۱۴۰۰

- ① بالحلم عن السُّفيه يكثر الأنصارُ: بردباری بر نادان یاران را زیاد می کند!
- ② سيأتِي الغدُ بكثيرٍ ممَّا لا تعرفون: فردا بسیاریا آنچه را نمی دانید، خواهد آورد!
- ③ اللهُ الَّذِي يَنْصُرُ الْمُجَاهِدِينَ وَ هُمْ قَلِيلُونَ: خدا کسی است که مجاهدان را باینکهاندا کند، یار می کند!
- ④ يَوْجَدُ النَّفْطُ تَحْتَ طَبَقَاتِ الْأَرْضِ بَعْدَ مَرُورِ قُرُونٍ: نفت زیر طبقات زمین بعد از گذشتن قرن ها یافت می شود!

۷- عین الصَّحیح: «کشاورز را دیدم در حالی که محصول را جمع می کرد.»

سراسری - ۱۴۰۰

- ① شَاهِدْتُ فَلَّاحًا وَ هُوَ يَجْمَعُ مَحْصُولَهُ.
- ② شَاهِدْتُ فَلَّاحًا وَ هُوَ يَجْمَعُ الْمَحْصُولَ.
- ③ رَأَيْتُ الْفَلَّاحَ وَ هُوَ يَجْمَعُ مَحْصُولًا.
- ④ رَأَيْتُ الْفَلَّاحَ وَ هُوَ يَجْمَعُ الْمَحْصُولَ.
- ۸- عین الصَّحیح: «لیس هناك عظمی اللسان ولكنه يستطيع أن يكسر القلوب استطاعةً، فلنراقب كلامنا»

مرجع: خارج از کشور - ۱۴۰۰

- ① در زبان استخوانی وجود ندارد، ولی قطعاً می تواند دل ها را بشکند، پس باید مواظب سخنانمان باشیم!
- ② در زبان استخوانی نیست، اما به خوبی توانائی شکستن قلب ها را دارد، پس باید از سخنانمان مراقبت کنیم!
- ③ استخوانی در زبان وجود ندارد، اما توانائی دارد قلب های دیگران را کاملاً بشکند، پس باید مراقب سخن گفتنمان باشیم!
- ④ در هیچ زبانی استخوانی نیست، ولی واقعاً می تواند قلب ها را بشکند، پس باید به خوبی از سخن گفتنمان مواظبت کنیم!

۹- عَيْنُ الصَّحِيحِ فِيالترجمة: «إِنْ يَبْخُلُ أَحَدٌ فِي تَعْلِيمِ عِلْمِهِ إِلَيْكَ فَلَا يَحْزَنُكَ حَزْنًا، لِأَنَّهُ يَضُرُّ نَفْسَهُ ضَرَرًا أَشَدَّ مِنْ ضَرَرِكَ!»:

خارج از کشور - ۱۴۰۰

۱) اگر کسی در یاد دادن علمش به تو بخل ورزید پس نباید که ناراحتت کند، زیرا مسلماً زیانی که به خودش میزند از زیان تو بیشتر است!

۲) کسی اگر در آموختن علمش به تو بخیل شد پس نباید غمگین شوی، زیرا ضرری را که به خود میزند قطعاً بیشتر از تو است!

۳) کسی چنانچه در آموختن علمش به تو بخیل باشد، اصلاً نباید غمگین بشوی، زیرا مسلماً ضرری بیشتر از ضرر تو به خود میزند!

۴) اگر کسی در یاد دادن علمش به تو بخل بورزد قطعاً نباید تو را ناراحت کند، زیرا او ضرری بیشتر از ضرر تو به خودش میزند!

۱۰- عَيْنُ الْخَطَأِ فِي الْإِعْرَابِ وَ التَّحْلِيلِ الصَّرْفِيِّ:

خارج از کشور - ۱۴۰۰

«حضر جميع الطلاب في صالة الامتحانات إلا علياً»

۱) علیاً: اسم - مفرد - مذکر - نكرة - معرب / مستثنی و مستثنی منه «جميع...»

۲) صالة: اسم - مفرد - مؤنث - معرب / مجرور بحرف الجرّ؛ في صالة: جارّ ومجرور

۳) الامتحانات: جمع سالم للمؤنث (مفرد: الامتحان، مذکر) - معرفّ بأل / مضاف إليه و مجرور

۴) الطلاب: جمع تکسیر أو مکسر (مفرد: الطالب، مذکر) - اسم الفاعل (من فعل مجرد ثلاثی) -

معرب / مضاف إليه و مجرور

۱۱- عَيْنُ الْخَطَأِ فِي ضَبْطِ حَرَكَاتِ الْحُرُوفِ:

خارج از کشور - ۱۴۰۰

۱) يَتَّبِعُ الْحَيَوَانَ الْمُفْتَرَسُ هَذِهِ الْفَرِيسَةَ وَيَتَنَعَّدُ عَنِ الْعُشِّ ابْتِعَادًا كَثِيرًا.

۲) حَاوَلَ الرَّجُلُ الْكَثِيرُ الْمَعَاصِيَ أَنْ يُصْلِحَ نَفْسَهُ، فَلَمْ يَسْتَطِعْ فِي الْبِدَايَةِ.

۳) التَّمَسَّحُ عِنْدَمَا يَأْكُلُ فَرِيسَةً أَكْبَرَ مِنْ فَمِهِ، تُفَرِّزُ عَيْونُهُ سَائِلًا كَأَنَّهُ دُمُوعٌ.

۴) إِنَّ إِيْرَانَ مِنَ الدُّوَلِ الْجَمِيلَةِ فِي الْعَالَمِ وَ الْمَشْهُورَةِ بِالْكَثِيرِ مِنَ الْمَنَاطِقِ الْخَلَّابَةِ.

۱۲- عین «دووب» حالا:

خارج از کشور - ۱۴۰۰

① ليتنى أصبح دؤوباً فى اكتساب العلم!

② لا يتقدّم فى الحياة إلا من يحاول دؤوباً

③ من كان أميراً يجب أن يكون دؤوباً و حليماً!

④ أيت طالباً دؤوباً يستمرّ فى أعماله لأهدافه العالية!

۱۳- عین الصّحیح للفراغین: «... طالب، و ... الطالبة حافظاً علی کرامتکما!»: مرجع: خارج از

کشور - ۱۴۰۰

⑤ أيتها / أيتها

① يا / يا

⑥ يا / يا أيتها

② أيتها / يا أيتها

سراسری - ۱۴۰۰

۱۴- عین الخطأ:

① لا تزول ظلمات الجهل إلا بمصاييح العلم: تاریکی‌های جهل فقط با چراغ‌های علم از

بینمی‌رود!

② ما امتنع الطفل أن يأكل الطعام الذي قد طبخته الأم: کودک امتناع نکرد غذایی را که مادر

پخته، بخورد!

③ تلقب الآخرين بما يكرهون عمل قبيح: لقب دادن دیگران به آنچه ناپسند می‌دانند، کار

زشتی است!

④ يقطع التواصل بين الأصدقاء بالغيبة والاستهزاء: ارتباط بین دوستان را غیبت و مسخره کردن

قطع می‌کند!

سراسری - ۱۴۰۰

۱۵- عین الصّحیح عن المفردات:

① مَنْ تُولِمَهُ رِجْلُهُ لَا يَقْدِرُ الصَّعُودَ إِلَى الْقِمَّةِ. (جمع) ← رجال، قمم

② هَوَاةُ كُرَةِ الْقَدَمِ يَجْتَمِعُونَ فِي الْمَلْعَبِ. (متضاد) ← راغبون، منتشرشون

③ هُوَ أَهْمُ الْكِتَابِ عَلَى رَغْمِ ظُرُوفِهِ الْقَاسِيَةِ. (مفرد) ← كتاب، ظرف

④ بَعْدَ ذَلِكَ جَاءَ بِهِدَايَا كَثِيرَةٍ فَرَفَضَهَا الْمَلِكُ. (المترادف) ← أتب، لميقبل

۱۶ - عین «لا» لنفی الجنس:

مرجع: سراسری - ۱۴۰۰

① سیأتیوملّین فعنما لولابنون فعلینا أن نجمع الخیراتِ لأنفسنا لذلک الیوم!

② إن كنتَ معَ الله فلا تحزن أبداً ولا تَضَلَّ عن صراطه و لا تفقد محبته!

③ اصطدماً طارسیّاً تیبشیء حادّاً فأنفجروا إیطار احتیاطیّ عندی!

④ هل تنسی أن تذكر نعمة ربك؟ لا أنا لست من الغافلین!

۱۷ - عین «ما» تختلف فی المعنی:

سراسری - ۱۴۰۰

① ما أقنعَ المتكلمَ المستمعینَ معَ أن کلامه لین!

② ما قطعتُ کلامَ معلّمی حتّی یفرغَ من الکلام!

③ ما استخدم المزارعُ السّیاجَ إلّا لحماية محاصیله!

④ ما أجمل الصّفّ الذّی یحبّ المعلمُ التلامیذَ و یحبّونه!

۱۸ - عین الصّحیح:

سراسری - ۱۴۰۰

① ما أسرعَ مرّ السّنین من العمر و نحن فی غفلة: سالهای عمر به سرعت می گذرد و ما در غفلت هستیم!

② إذا عملتَ سیئةً فاعمل حسنةً حتّی تعوّضَ منها: هرگاه کار بدی را انجام دادی کار نیکی انجام بده تا آن را جبران کنی!

③ یصنع الإنسانُ أشياءَ تُحوّلُ الظّلامَ إلى الضّوء: انسان با ساختن اشیائی تاریکی را به روشنایی تبدیل کرده است!

④ إفراز السّائل المطهر من لسان القطّ جعله حیوانا خاصّاً: گربه با ترشح مایع پاک کننده از زبانش حیوان خاصی شده است!

۱۹- عَيْنُ الصَّحِيحِ: «ما من شجرة تُغرس إلّا و لها فائدة للنّاس، إذن ليس غرسُ الأشجار بسبب أنّها تثمر فقط!»
سراسری - ۱۴۰۰

① آنچه از درخت کاشته می‌شود فایده‌اش برای مردم است، ولی علت کاشتن درختان فقط بهره دادن آن‌ها نیست!

② درخت فقط برای این کاشته می‌شود که فایده‌بخش است، لذا کاشتن درختان به خاطر اینکه بهره بدهند، نیست!

③ هیچ درختی نیست که بکاری مگر اینکه برای مردم فایده داشته باشد، پس علت کاشتن درختان میوه دادنشان نیست!

④ هیچ درختی نیست که کاشته شود مگر اینکه برای مردم فایده‌ای داشته باشد، بنابراین کاشتن درختان فقط به خاطر اینکه آن‌ها میوه می‌دهند، نیست!

۲۰- عَيْنُ الْخَطَأِ لِلْفَرَاغِينَ: «..... يَسِّرُ لِي أَمْرِي، و يَا إَجْعَلْنِي مِنْ عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ!»

سراسری - ۱۴۰۰

① رَبُّ / إلهي ② يَا الله / معبودی

③ اللهم / رحمن ④ يَا رَبَّ / الرحيم

۲۱- عَيْنُ الصَّحِيحِ: «الصُّدُقُ كَصِحَّةِ الْإِنْسَانِ، لَا يُمْكِنُ أَنْ تُدْرِكَ قِيَمَتُهُ إِلَّا عِنْدَمَا يَفْقَدَ!»

سراسری - ۱۴۰۰

① صدق همان سلامتی انسان است، فقط زمانی که از دست برود، قدر آن دانسته می‌شود!

② صداقت مانند سلامتی انسان است، تا زمانی که از دست نرود، امکان ندارد ارزش آن درک شود!

③ راستی همان صحت بدن انسان است، ارزشش درک نمی‌شود، مگر آنگاه که آن را از دست بدهد!

④ درستی همچون سلامت بدن انسان است، نمی‌توانی قدر آن را دریابی مگر زمانی که از دست برود!

۲۲- عَيْنِ الْخَطِّ فِي ضَبْطِ حَرَكَاتِ الْحُرُوفِ: سراسری - ۱۴۰۰

① الْعِلْمُ نُورٌ وَ ضِيَاءٌ يَقْذِفُهُ اللَّهُ فِي قُلُوبِ أَوْلِيَائِهِ.

② رَبُّ كِتَابٍ تَجْتَهِدُ فِي قِرَاءَتِهِ، ثُمَّ لَا تَحْصُلُ عَلَى فَائِدَةٍ مِنْهُ.

③ عِنْدَمَا يَنْقَطِعُ تَيَّارُ الْكَهْرَبَاءِ فِي اللَّيْلِ، يَغْرَقُ كُلُّ مَكَانٍ فِي الظَّلَامِ.

④ فِي يَوْمٍ مِنَ الْأَيَّامِ شَاهِدَ جَمَاعَةً مِنَ الْمُسَافِرِينَ وَاقِفِينَ أَمَامَ الْمَسْجِدِ.

۲۳ - «لَعَلَّ مَرَحِلَةَ مِنْ مَرَاكِحِ الْبَخْلِ هِيَ أَنْ تُعَدَّ مَا تُنْفِقُهُ خَسَارَةً وَلَا تَرْضَى بِهِ رِضَايَةً فِي نَفْسِكَ!»:

خارج از کشور - ۱۴۰۰

① شاید یک مرحله از مراحل بخل آن است که خسارت شمرده شود، چیزی که انفاق می شود و

در درونت به آن راضی نشوی!

② شاید از مراحل بخل این مرحله باشد که آنچه انفاق شود خسارت شمرده شود و در باطن

به آن کاملاً راضی نباشی!

③ شاید مرحله ای از مراحل بخل این است که خسارت بشمری چیزی را که انفاق کرده ای و در

باطن به آن رضایت نداده ای!

④ شاید مرحله ای از مراحل بخل آن باشد که آنچه را انفاق می کنی خسارت به شمار آوری و در

درونت کاملاً به آن راضی نباشی!

۲۴- عَيْنِ الصَّحِيحِ فِي التَّرْجُمَةِ: «لَا فَرْقَ بَيْنَ الْقَطِّ الْأَسْوَدِ وَ الْقَطِّ الْأَبْيَضِ، الْقَطُّ يَجِبُ أَنْ يَقْدَرَ أَنْ

يَصِيدَ الْفَأَرَ صَيْدًا لِيُشْبِعَ بَطْنَهُ!»:

خارج از کشور - ۱۴۰۰

① هیچ فرقی بین گربه سیاه و گربه سفید نیست، گربه باید بتواند حتماً موش بگیرد تا شکمش

را سیر کند.

② فرقی بین گربه سفید و گربه سیاه اصلاً نیست، چه گربه باید قادر باشد موش بگیرد تا

شکمش سیر شود!

③ اصلاً فرقی بین گربه ای که سیاه باشد و گربه ای که سفید باشد وجود ندارد، حتماً گربه باید

قادر باشد موشی بگیرد تا شکمش را سیر کند!

④ فرقی بین گربه که سیاه باشد یا سفید باشد وجود ندارد، قطعاً گربه باید بتواند موشی بگیرد

تا شکمش سیر شود!

۲۵- «نَسْتَهْلِكُ الْأَسْمَدَةَ الْكِيمِيَاوِيَّةَ بكَثْرَةِ وَ نَحْنُ نَعْلَمُ أَنَّ إِسْتِخْدَامَهَا الْكَثِيرَ يُؤَدِّي إِلَى الْإِخْتِلَالِ فِي نِظَامِ الطَّبِيعَةِ!»:
خارج از کشور - ۱۴۰۰

۱) ما از کودهای شیمیایی زیاد استفاده می کنیم، حال آنکه می فهمیم که کاربرد زیادشان اختلالی در نظام طبیعت به وجود می آورد!

۲) ما کودهای شیمیایی را زیاد مصرف می کنیم، در حالی که می دانیم که به کار بردن زیادشان به اختلال در نظام طبیعت منجر می شود!

۳) ما کودهای شیمیایی زیادی مصرف می کنیم، باینکه می دانیم که به کار بردن زیادشان اختلال در نظام طبیعت را به وجود می آورد!

۴) ما از کودهای شیمیایی زیاد استفاده می کنیم، با وجود این که فهمیده ایم که زیاد به کار بردنشان منجر به اختلال در نظام طبیعت می شود!

۲۶- عَيْنُ الصَّحِيحِ فِي التَّرْجُمَةِ: «لَا أَدْرِي مَا هُوَ نَسِيجُ زَعَانِفِ الْأَسْمَاكِ، وَلَكِنِّي أَعْلَمُ أَنَّهَا تَسَاعِدُ بَعْضَ الْأَسْمَاكِ عَلَى الْحَرَكَةِ وَ بَعْضَهَا عَلَى الطَّيْرَانِ»:
خارج از کشور - ۱۴۰۰

۱) نمی دانم بافت باله ماهیان از چیست، اما می دانستم بعضی ماهی ها را در حرکت و بعضی را در پرواز کردن کمک می کند.

۲) نمی دانم چه چیزی در بافت باله ماهی ها هست، ولی میدانم در حرکت بعضی ماهی ها و پرواز بعضی دیگر از آن ها یاری می رساند.

۳) نمی دانم بافت باله های ماهیان چیست، ولی میدانم که بعضی ماهی ها را در حرکت کردن و بعضی را در پرواز کردن کمک می کند.

۴) نمی دانم در بافت باله های ماهی ها چه چیزی هست، اما می دانستم که در حرکت کردن بعضی از ماهی ها و پرواز کردن بعضی دیگر یاری می رساند.

۲۷- عَيْنُ أَسْلُوبِ الْإِسْتِثْنَاءِ مَعْنَاهُ الْحَصْرُ:
خارج از کشور - ۱۴۰۰

۱) ما اهتمم هذا الفيزيائي في كشف هذه المادة بالآخرين إلا عالما واحداً!

۲) لم تضعف المشاكل عزم التلميذ في أداء جميع واجباته إلا الأخير!

۳) لا يمنح المحسن ثروته لكل من يدعى أنه يحتاج إليها إلا اسرته!

۴) لم يكن هدف نوبل من اختراع الديناميت إلا الإعمار و البناء!

اقرأ النص التالي ثم أجب عن الأسئلة بما يناسب النص: سراسری - ۱۴۰۰

«تَعْتَمِد ملايين من النَّاس في أنحاء العالم، خاصَّةً فيأفقر دول العالم على المحيطات و البحار، فإنَّها مؤثِّرة بشكل أساسي في إيجاد فرص العمل و كذلك الحصول على الغذاء و الاحتياجات اليومية! إنَّ البلاد المجاورة لهذه النُّعمة الكبرى تستفيد منها بأشكالٍ مُختلفة في مجال تنمية اقتصادها و نموِّها؛ فإنَّها إضافة إلى أنَّها مصادرٌ من النِّعم الغذائية و غيرها فهي فرصةٌ ذهبيَّة لجذب السِّياح و المسافرين من جميع بلاد العالم للتَّفرُّج و التَّلذُّذ! و الأمرُ الجدير بالذِّكر هو أنَّ النِّقل البحريَّ أصبح الآن أحد طرق الاتِّصال الأساسيَّة بين البلاد، فلذلك يَعدُّ من عوالم تنشيط الاقتصاد! و أخيراً ما تَجِب مُراعاتُها هي أنَّ البحار ليست مكاناً للنِّفايات فإنَّ عدمَ رعاية هذا الأمرِ يُسبِّبُ هلاكة الإنسان بيده!»

۲۸- عین ما لم یذكر فی النص: سراسری - ۱۴۰۰

① أثر البحار في الهواء النقي!

② البحار و أثرها على إملأ ساعات الفراغ!

③ حياة النَّاس و أثر البحار عليها!

④ أثر البحار في تواصل البلاد بعضها بعضاً!

۲۹- عین ما لیست من فوائد البحار: سراسری - ۱۴۰۰

① إيجاد منظَّمات للنَّقل!

② هي أماكن لنفاية المصانع!

③ تأسيس الشَّرکات الغذائية!

④ شواطئها أماكن للإستراحة!

۳۰- كيف یقتل الإنسان نفسه؟ سراسری - ۱۴۰۰

① بتلويث مياه البحار

② بعدم تنمية اقتصاد بلاده بالبحار

③ بالاستفادة من النِّفايات

④ بإلقاء ما بقي من طعامه في البحر

۳۱- العنوان المناسب للنص هو سراسری - ۱۴۰۰

① مصادر البحار الغذائية!

② أهمیة البحار!

③ النِّفايات في البحار

④ النِّقل البحري!

۳۲- عین الخطأ فی الإعراب و التحليل الصرفي:

«تعتمد»:

سراسری - ۱۴۰۰

- ① فعل مضارع - له ثلاثة حروف أصلية و هي «ع م د» و ماضيه «اعتمد» على وزن «افتعل»
 ② مضارع - للمؤنث الغائب - مصدره «اعتماد» / فعل و فاعله «المليارات» و الجملة فعلية
 ③ فعل مضارع - حروفه الأصلية ثلاثة «ع ت م» و مصدره «اعتماد» على وزن «افتعال» / فاعله «المليارات»

- ④ مضارع - للمفرد المؤنث الغائب - له حرفان، زائدان ماضيه «اعتمد» و مصدره «اعتماد»
 على وزن «افتعال»

۳۳- «أصبح»:

سراسری - ۱۴۰۰

- ① فعل ماضٍ - للغائب - من الأفعال الناقصة بمعنى «صار» - حرفه الزائد: الهمزة
 ② فعل ماضٍ - الأفعال الناقصة بمعنى «كان» وزنه «أفعل» و مصدره «إفعال»
 ③ ماضٍ - للمفرد المذكر الغائب - له حروف ثلاثة أصلية و حرف واحد زائد، مصدره «إصبحاح»
 ④ ماضٍ - للمفرد المذكر الغائب - على وزن «أفعل» و وزن مصدره: إفعال - له حرف واحد زائد

۳۴- «أفقر»:

سراسری - ۱۴۰۰

- ① مفرد مذكر - اسم تفضيل - مجرور بحرف الجر؛ في أفقر: جارّ و مجرور
 ② اسم - اسم تفضيل (جمعه على وزن «أفاعل») - فعله: «فقر» و مصدره: «فقر»
 ③ مفرد مذكر - اسم تفضيل (به معنى «ترين»، و هو مضاف) - مجرور بحرف الجر «في»
 ④ اسم - مفرد مذكر - اسم تفضيل - (مؤنثه على وزن «أفعلة» و و جمعه على وزن «أفاعل»)

۳۵- عَيْنَ الصَّحِيحِ فِي التَّرْجَمَةِ: «إِنَّ الْجَهْلَ يُسَبِّبُ أَنْ نَجِدَ طُرُقًا لِقَضَاءِ حَيَاتِنَا تَنْجَلِيًّا لَنَا سَهْلَةً، وَلَكِنَّهَا تَنْتَهِي إِلَى الْخَسَارَةِ»:
سراسری - ۱۴۰۰

① این نادانی سبب یافتن راه‌های سهل‌الوصول برای گذران زندگی‌می‌شود، لکن به خسارت پایانمی‌یابد!

② نادانی قطعاً مسبب آن است که راه‌های گذران زندگی به شکل ساده در نظرمان جلوه‌گر شود، اما به خسارت بیانجامد!

③ نادانی باعث می‌شود برای گذران زندگی مانراه‌هایی را بیابیم که برایمان آسان جلوه می‌کند، لکن به خسارت منتهی‌می‌شود!

④ قطعاً نادانی است که سبب می‌شود راه‌هایی را که برای ما آسان جلوه کرده برای گذران زندگی مان بیابیم، ولی آن راه‌ها به خسارت منجر می‌شود!

۳۶- عَيْنَ الصَّحِيحِ: عَجَائِبُ الْخَلْقِ كَثِيرَةٌ، مِنْهَا أَنَّ هُنَاكَ أَسْمَاكَ لَا تُضِيءُ تَحْتَ الْبَحَارِ إِلَّا بِالضَّوِّ الْمَضِيءِ الَّذِي تَحْتَ عَيُونِهَا»
سراسری - ۱۴۰۰

① عجایب خلقت بسیار است، از جمله‌های که فقط با نور تابناکی که در زیر چشم دارند، زیر دریا را نورانی‌می‌کنند!

② عجایب زیادی در خلقت است، از جمله‌های هستند که زیر دریاها را نورانی می‌کنند فقط با نوری که زیر چشم‌هایشان هست!

③ شگفتی‌های آفرینش بسیارند، از جمله ماهی‌هایی هستند که فقط با نور روشنی بخشی که زیر چشم‌هایشان هست، زیر دریاها را روشنی می‌بخشند!

④ شگفتی‌های بسیار در خلقت است، از جمله در ماهی‌هایی است که زیر دریاها را روشن‌ن می‌بخشند، مگر با روشنایی نوری که زیر چشم‌هایشان موجود است!

۳۷- عَيْنٌ مَا فِيهِ الْحَصْرُ:
سراسری - ۱۴۰۰

① لَا يَقْدِرُ أَحَدٌ صُعُودَ الْجَبَلِ الْمَرْتَفِعِ إِلَّا الْإِنْسَانُ الْقَوِيُّ!

② مَا نَالَ هَذَا الشَّاعِرُ الْجَوَائِزَ بَعْدَ إِنْشَادِهِ إِلَّا جَائِزَةُ ثَمِينَةٍ!

③ لَا تُنْقَلُ إِلَى مَوْقِفِ تَصْلِيحِ السَّيَّارَاتِ إِلَّا سَيَّارَةٌ مَعْطَلَةٌ!

④ لَا نَشْتَرِي الْفَاكْهَةَ الْيَوْمَ إِلَّا نَوْعًا وَاحِدًا مِنْهَا وَهُوَ التَّفَاحُ!

اقرأ النصّ التالي ثمّ أجب عن الأسئلة بما يناسب النصّ:

إذا عَزَمْنَا أَنْ نَجْعَلَ إِرَادَتَنَا قُوَّةً فَإِنَّ التَّخَيَّلَ ضَرُورِيٌّ، وَإِنْ كَانَ صَعْبًا بَعْضَ الْأَحْيَانِ وَلَكِنَّهُ وَسِيلَةٌ فَعَالَةٌ فِي سَبِيلِ تَحَقُّقِ ذَلِكَ، فَعَلَى سَبِيلِ الْمَثَالِ إِذَا اسْتَطَاعَ الْإِنْسَانُ أَنْ يَتَخَيَّلَ أَنَّهُ عَلَى سَاحِلِ الْبَحْرِ يَسْتَرِيحُ، فَإِنَّ هَذَا يَقَلِّلُ مَا فِيهِ مِنَ الْاضْطِرَابِ! كَذَلِكَ فِي هَذَا الْمَجَالِ تُمْكِنُ الْإِسْتِفَادَةِ مِنَ الْأَخْطَاءِ وَغُفْرَانِهَا وَلَكِنْ بِالشَّكْلِ الصَّحِيحِ؛ فَلهَذَا يُمْكِنُ الْإِغْمَاضُ عَنْهَا بَعْضَ الْأَحْيَانِ لِيَعُودَ إِلَى الْعَمَلِ مِنْ جَدِيدٍ بِإِرَادَةٍ أَقْوَى! وَيُؤَكِّدُ أَنَّ الْعَادَاتِ الْجَيِّدَةَ تَقْوِي الْعَزِيمَةَ إِنْ كَانَتْ مُنْتَظِمَةً وَ لَوْ كَانَتْ صَغِيرَةً؛ وَ الْعَامِلُ الْآخَرُ هُوَ تَعْيِينَ الْجَائِزَةِ بَعْدَ الْقِيَامِ بِالْعَمَلِ بِشَرْطِ صِحَّتِهِ وَ حَسَنِ عَمَلِهِ؛ لِأَنَّهُ مِنْ جِهَةٍ يُسَبِّبُ أَنَّ الشَّخْصَ يَنْسِي التَّعَبَ وَ الْجُهْدَ الَّذِي بَذَلَهُ عِنْدَ الْقِيَامِ بِهِ وَ مِنْ جِهَةٍ أُخْرَى تَشْجِيعَ لَهُ عَلَى الْعَمَلِ!

سراسری - ۱۴۰۰

سراسری - ۱۴۰۰

۳۸ - أي موضوع لم يذكر في النصّ؟

① أثر العادات الحسنة في الإنسان!

② فائدة الإغماض عن بعض الأخطاء!

③ تأثير قوة الخيال في إيجاد الطمأنينة للإنسان!

④ تعليم الآخرين و أثره في سبيل الحصول على النجاح!

سراسری - ۱۴۰۰

۳۹ - عین الصحیح:

① إذا كانت لدى الإنسان إرادة قويّة فإنه لا يلتفت إلى الأمور الصّغيرة و رعاية النّظم فيها!

② إنَّ رعاية الترتيب و اجتناب التفريق ترفع شخصيّة الإنسان في مجال الإرادة!

③ علينا أن نغفر كلّ أخطائنا و ننسى آلامها حتّى نقوم بالعمل من جديد!

④ تعيين الجائزة أهمّ وسيلة للحصول على إرادة قويّة!

سراسری - ۱۴۰۰

۴۰ - عین الخطأ:

① تقوية الخيال تكفي الناس في سبيل تحقّق الإرادة القويّة!

② إنّ الإرادة القويّة لا تحصل باتّخاذ طريقة واحدة و عمل واحد!

③ من الأدوات المفيدة للحصول على إرادة قويّة هو تصوّر تحقّق ما نريده!

④ لا يستطيع الناس كلّهم أن يتخيّلوا اموراً و حالات تُقلّل من شدة إضطرابهم!

۴۱- عین الصّحیح للفراغ: للحصول على الإرادة القویّة يجب سراسری - ۱۴۰۰

① أن نُقَوِّ قوّة خیالنا!

② أن نعملَ أعمالاً جديدةً فی حیاتنا!

③ أن نأخذَ الجوائز بعد القيام بالأعمال!

④ ألا نشتدّ على النفس بل نتخذ سبیل الرأفة علیها!

۴۲- عین الخطأ فی الإعراب و التحلیل الصرفی:

سراسری - ۱۴۰۰ «يَتَخَيَّلُ»:

① مضارع - للمفرد الغائب - مزيد ثلاثی (له حرفان زائدان - متعدّد / مع فاعله جملة فعلية

② فعل مضارع - مزيد ثلاثی ماضیه «خَيَّلَ» من باب تفعیل / فعل و فاعل، و الجملة فعلية

③ فعل مضارع - للمفرد المذكر الغائب - مزيد ثلاثی (من باب تفعّل) / فعل و فاعل، و الجملة فعلية

④ مضارع - للغائب - مزيد ثلاثی (ماضیه «تَخَيَّلَ» من باب تفعّل) - معلوم / مع فاعله جملة فعلية

۴۳- «يُسَبِّبُ»:

سراسری - ۱۴۰۰

① فعل مزيد ثلاثی (بحرف زائد واحد) - متعدّد - معلوم / مع فاعله جملة فعلية

② مزيد ثلاثی (من باب تفعیل) - متعدّد - معلوم / فعل و مع فاعله جملة فعلية و خبر «أنّ»

③ مضارع - للمفرد المذكر الغائب - مزيد ثلاثی (من باب تفعّل) - لازم / مع فاعله جملة فعلية

④ فعل مضارع - مزيد ثلاثی (له حرف واحد زائد من باب تفعیل) / الجملة فعلية و خبر لحرف «أنّ» المشبهة بالفعل

۴۴- «أقوى»:

سراسری - ۱۴۰۰

① اسم - مفرد مذکر - اسم تفضیل (حروفه الأصلية: «قوى» / صفة للموصوف «إرادة»

② مفرد مذکر - اسم تفضیل (على وزن أفعل) - نكرة / مضاف إليه للمضاف «إرادة»

③ مفرد مذکر - اسم تفضیل - نكرة / مجرور بالتبعية للموصوف «إرادة»

④ اسم - مفرد مذکر - اسم تفضیل (فعله مجرد ثلاثی) / إعرابه مجرور

۴۵- عین الصَّحیح عن المفردات: سراسری - ۱۴۰۰

- ① نعلم أن للبَطْغَةِ طَبِيعَةً بالقرب من ذَنِبِهَا. (جمع) ← غُدَد، ذنوب
- ② عندما نمشي على الرَّمال الحارة تحرق أقدامنا. (مترادف) ← نسير، رجال
- ③ اشتدَّت الرياح وحدها صيرفيتها للمنطقة. (مفرد) ← رائحة، إعصار
- ④ أظهر لنا أصدوقاؤنا صدقهم و هم من المصلحين. (متضاد) ← أضمر، المفسدين

۴۶- عین خبر الحروف والمشبَّهة بالفعل فعلا: سراسری - ۱۴۰۰

- ① لعلَّ العالم الذي أنتظره و تكلمت عنه، محبوب لك أيضا!
 - ② لا تياسوا من رحمة الله، إنها قريبة من المحسنين!
 - ③ أكرم أصدقاءك، كأنهم جناحك الذي به تطير!
 - ④ ليت إطعام مساكيننا يكون مما نحن نأكل!
- اقرأ النص ثم أجب عن الأسئلة بما يناسب النص:
- الإنسان المثالي الذي يسعى للمجد هو الإنسان الذي ينظر إلى العالم كساحة لا يرى فيها إلا الحركة والنشاط، حيث إن الرخوة و السكون يساويان الموت! و كذلك إن كل من في الوجود إذا أراد النصر والظفر ملزم بمواجهة العالم كمجموعة فيها نزول وصعود لا حيلة منهما و لا يمكن اختيار أحدهما دون الآخر! فإن المصاعب التي تقع في سبيل الطالب - على سبيل المثال - هي التي تقع قليلا أو كثيرا أو مشابها في سبيل الآخرين. فمن كانت نفسه متسعة تقبل الحياة بما فيها من دون ضجر، ولكن من كانت الحياة أكبر منه و الذي صغر شأن نفسه فالحياة تتغلب عليه، فحينئذ يعيش هذا الإنسان مأیوساً يلعن الآخرين بحجة أنهم لم يكونوا في سبيل قضاء حوائجه!

سراسری - ۱۴۰۰

۴۷- عین الصَّحیح: سراسری - ۱۴۰۰

- ① الحياة تواجه أبناء البشر مواجهة متشابهة!
- ② مقدار المصاعب يتساوى في جميع أبناء البشر!
- ③ الرخوة و النزول والصعود مما لا حيلة منها أبدا!
- ④ المأیوس يعيش و هو يفكر في قضاء حوائج الآخرين!

۴۸- عین الصّحیح: سراسری - ۱۴۰۰

① إِنَّ النَّزُولَ وَالصَّعُودَ مِنْ أَسْبَابِ الْإِنْسَانِ الْمَثَالِيَّ لِلْوُصُولِ إِلَى الْمَجْدِ!

② مَنْ كَانَتْ نَفْسُهُ مَتَّسَعَةً فَلَا يَرَى الْمَصَاعِبَ إِلَّا فِي طَرِيقِهِ فَقَطْ!

③ لَا مَصَاعِبَ إِلَّا فِي طَرِيقِ الْإِنْسَانِ الْمَأْيُوسِ!

④ لَا يَشْعُرُ بِالسَّوْءِ مَنْ يَقْبَلُ الْحَيَاةَ بِمَا فِيهَا!

۴۹- عین الخطأ: «مَنْ هُوَ الْإِنْسَانُ الَّذِي مَرَّافَقَهُ النُّصْرُ وَالظُّفْرُ؟» سراسری - ۱۴۰۰

① مَنْ تَتَغَلَّبُ الْحَيَاةُ عَلَيْهِ!

② مَنْ لَا يَرَى الْحَيَاةَ بِوَجْهِ وَاحِدٍ فَقَطْ!

③ مَنْ لَا يَفْكُرُ فَقَطْ بِوُقُوعِ مَا يَحِبُّهُ!

④ مَنْ يَرَى أَنَّ النِّشَاطَ هُوَ مِنَ السَّنَنِ الْإِلَهِيَّةِ!

۵۰- عین ما هو الأنسب للعبارة التالية: سراسری - ۱۴۰۰

«إِنَّ الْمَصَاعِبَ الَّتِي تَقَعُ فِي سَبِيلِ الطَّالِبِ هِيَ الَّتِي تَقَعُ فِي سَبِيلِ الْآخِرِينَ.»

① النَّجَاحُ وَاقِفٌ عَلَى مَنْ لَا يَنَامُ!

② لَعَلَّ الْعَسْرَ يُصْبِحُ يُسْرًا فِي الْغَدِ!

③ الدَّهْرُ يَوْمَانِ يَوْمٌ لَكَ وَ يَوْمٌ عَلَيْكَ!

④ الدُّنْيَا مُحْفُوفَةٌ بِالْبَلَايَا! (محفوفة: مستورة)

۵۱- عین الخطأ فی الإعراب و التحليل الصرفي: سراسری - ۱۴۰۰

«كانت»:

① فعل ماضٍ - للمفرد المؤنث الغائب / من الأفعال الناقصة، بمعنى «بود»

② فعل ماضٍ - للمفرد المؤنث / فعل من الأفعال الناقصة، و الجملة جواب شرط

③ ماضٍ - للمفرد - حروفه الأصلية ثلاثة / فعل من الأفعال الناقصة، بمعنى «بود»

④ ماضٍ - للمؤنث - له ثلاثة حروف أصلية / من الأفعال الناقصة، و الجملة شرطية

۵۲- عین الخطأ في الإعراب و التحليل الصرفي: سراسری - ۱۴۰۰
«صَغَرَ»:

- ① ماضٍ - للمفرد الغائب - له حرف واحد زائد - معلوم / فعل و مفعوله «شأن»
② ماضٍ - للمفرد المذكر الغائب - مصدره على وزن تفعيل - معلوم / فعل و مع فاعله جملة فعلية
③ فعل ماضٍ - له حرف زائد، و مصدره «تصغير» على وزن تفعيل / فعل و فاعل، و الجملة فعلية
④ فعل ماضٍ - له حرف واحد زائد، و مصدره على وزن «تفعّل» / فعل و فاعل، و الجملة فعلية
- ۵۳- عین الخطأ فیالإعراب و التحليل الصرفي:

«الطالب»:

- سراسری - ۱۴۰۰
① مفرد مذكر - اسم فاعل (فعلة: طلب) - معرف بأل / مضاف إليه للمضاف «سبيل»
② اسم - مفرد مذكر - اسم فاعل (فعلة: طلب، و مصدره: مطالبة) / مضاف إليه
③ مفرد مذكر - اسم فاعل (فعلة «طلب» بدون حرف زائد) - معرف بأل
④ اسم - مفرد - اسم فاعل (من فعل «طلب» و اسم مفعوله: مطلوب)

۵۴- عین الخطأ:

- سراسری - ۱۴۰۰
① أُسْرَى: تَحَرَّكَ لَيْلًا (لاصبحًا)!
② المُسْتَنْقَع: مكان فيه مياه و رائحة مياهه كريهة!
③ الغيم: نوع من السحاب لا ينزل منه إلا المطر!
④ الفريق: جماعة من الناس الذين لهم هدف واحد!

۵۵- عین ما ليس فيه المفعول المطلق:

- سراسری - ۱۴۰۰
① إن أكرمت الكريم إكراماً بالغاً تشاهد نتیجته!
② أدب المؤمن نفسه قبل تعليم غيره تأديباً جميلاً!
③ كان عشّ بعض الطيور بعيداً كثيراً عن المفترسين!
④ رغب المسافرون أن يسكنوا في ذلك المكان رغبةً كثيرة!